

سفرنامه چارلز الکساندر گالت

به مناطق جنوب غربی ایران
(۱۳۲۱ شمسی)

الهام حاتمی

دارند، بررسی و آشنایی با آن مفید می‌باشد.

سفارت انگلیس، تهران^۵، شماره ۱۱۴۳، ۱۴ خرداد ۱۳۲۱ ه.ش، آقای نخست‌وزیر عزیزم - تصور می‌نمایم مایل باشید گزارش ملفوف کنسولیار انگلیس را در اصفهان که در این اواخر مسافرتی به بختیاری نموده است ملاحظه فرمایید.

مشارالیه قصد داشته است از دهدز به اهواز برود لیکن به واسطه عدم امنیت راه مزبور، مجبور شده است طریق دورتری را برای این منظور طی نماید:

دوست صمیمی (ادریان، هولمن)^۶

جناب آقای علی سهیلی نخست‌وزیر. تهران

[حاشیه]: آقای معتمدی^۷ مطالب رونوشتی به سرلشکر زاهدی فرمانده اصفهان بفرستید و اگر مطالبی دیگر دارد که باید به سایر دوایر دولتی نوشته، تهیه کنید جوابی هم سببی به وصول به این نامه داده شود.

گزارش راجع به مسافرت به بختیاری

۱ - شب اول در قلعه مرتضی قلی‌خان^۸ در شلمزار که با وجود شکوه و عظمت آن اینک در حالت ویرانی و دارای یک منظره سکوت و خمود مخوفی می‌باشد برگزار گردید. برای مساعی جمیله جهان شاه‌خان (پسر مرتضی قلی‌خان) تدارکی برای ورود این‌جانب دیده شده بود و عده از ملاکین و کدخدایان دهات اطراف هم حضور داشتند. کلیه، شام را در سالن^۹ باشکوه مرمر بدون پنجره قلعه صرف نمودند.

۲ - با اشکالات زیاد، دواب در شلمزار کرایه گردید. اوضاع مغشوش راهها (که به موقع خود تشریح خواهد گردید) باعث نگرانی کامل همه کس

سفرنامه‌ها و گزارش‌های متنوعی تا کنون بوسیله سیاحان داخلی و خارجی درباره ایران و ایرانی در موضوعات مختلف تهیه، تدوین و یا ترجمه شده، و هرکس با توجه به نگرش خاص و برداشت‌های خود مسائل تاریخی، فرهنگی، سیاسی... ایران را مورد بررسی و تعمق قرار داده است. از جمله سفرنامه کنسولیار انگلیس به مناطق جنوبی کشورمان است. که پس از بازنویسی و توضیحات مختصر ارائه می‌گردد.

این سفرنامه به همراه نامه مستشار سفارت انگلیس جهت اطلاع نخست‌وزیر در کد - ۱۱۲۰۰۷ ایلات اصفهان و به شماره پاکت ۵۸۵ در خزانه آرشیو سازمان اسناد ملی ایران ثبت گردیده است؛ نگارش سفرنامه، زمانی صورت گرفته که بخش جنوبی ایران توسط نیروهای انگلیسی اشغال شده بود و چارلز الکساندر گالت^۱ (Charles Alexander, Gault) کنسولیار انگلیس در اصفهان مسافرتی به ایلات و عشایر بختیاری کرده و در این مأموریت جدای از انگیزه‌ها و مقاصد سیاسی، گزارش نیز از مسافرت خویش از «دهدز» در استان چهارمحال بختیاری تا به اهواز در خرداد ۱۳۲۱ شمسی بیان داشته است.

وی سفرنامه خود را با ذکر نامی راهها که موجب تغییر دادن مسیرش نیز گردیده، آغاز نموده است. او در طی مسیر توجه خود را به نکاتی که از جهات مختلف حائز اهمیت بوده معطوف داشته است. مانند: روابط اجتماعی، اقتصادی، وضع راهها، وسایل حمل و نقل، روابط حاکم بر ایل‌یگی و افراد ایل، روستاها یا پناهگاههایی که در طول سفر و در مواقع ضروری مورد استفاده قرار می‌گیرد، عبور و مرور از رودخانه دز، دیدار از ایلات و طوایف دینارانی^۲ - زراسوند^۳ - آسیوند - موری - گندعلی^۴، روابط بین ایلات، خسارات وارده به مزارع و چاره‌جویی و اتخاذ تدابیر مناسب در امور مختلف. از این رو نوشته‌ها و مشاهدات او در جنبه‌های مختلف علمی و پژوهشی قابل تأمل بوده است و بر تمامی پژوهشگرانی که در شاخه‌های مختلف علوم انسانی و تاریخ و فرهنگ این مرز و بوم دستی

4th June, 1942.

سفارت انگلیس
تهران

No. 1142.

۱۴ خرداد ۱۳۲۱

My dear Prime Minister,

شماره ۱۱۴۲

آقای نخست وزیر عزیزم

نصرت مینمایم مایل باشمید گزارش مفرد
کسولهار انگلیس را در اصفهان که در این
اواخر مسافرتی به به بهاری نموده است
ملاحظه فرمائید. مشارالیه قصد داشته
است از طریق ده نر با هواز برود لکن
بواسطه عدم امنیت راه مزبور مجبور شده
است طریق دورتری را برای این منظور
ظنی نماید. دوست صمیمی
(ادریان هولمن)

I think you may be interested
in the enclosed report of the Vice-
Consul at Isfahan, who recently made
a journey through Bakhitiani. He had
intended to go to Ahwaz by the Behdiz
road, but owing to the insecurity
of this road had to travel by a
more circuitous route.

(Sgd.) Adrian Holman,

Chargé d'Affaires.

جناب آقای علی صیقلی نخست وزیر

تهران

His Excellency,
Monsieur Ali Ghodily,
President of the Council of Ministers,
Tehran, Iran.

درباره این مسافرت کسب اطمینان نکرده بودم شاید از اردل هم
جلوتر نرفته بودم. بر حسب معمول اجاره کردن دواب یا استخدام
مکاری^۱ غیر مقدور بوده و بالاخره مجبور شدم سه رأس قاطر و یک
اسب به امید این که پس از خاتمه مسافرت قیمت آن را وصول خواهم
کرد، خریداری نمایم

گرفته و فقط با ترغیب زیاد بود که بالاخره ممکن شد قاطر برای
منزل اول به اردل تهیه گردید. والی پور مالک اردل که روز قبل برای
ملاقات این جانب آمده بود در راه با من همراه بود و اسب خوش اندام
که بازیگریهای عاشقانه او در هر موقع که با مادیانی مصادف می شد
خالی از خوف و خطر نبود به من داد.

۴- اشکالی که از حیث وسایل نقلیه موجود بود باعث دو روز توقف
این جانب در اردل گردید روز بعد از راه دوپلان^۱ و گردنه بزه مرده
بصوب گندم کار رهسپار شدم. اعضای خانواده والی پور و کدخدا تا
دوپلان از من مشایعت نمودند. در گندم کار در منزل ناصر قلی خان
نهمین مالک عمده منزل کرده و در این جا اطلاع حاصل نمودم که راه
بالتمام در دست کهکلیوبه می باشد. از چند هفته پیش کلیه مرادوات بر
اثر بریدن پل کارون در پل شالو قطع شده و مسافرینی که سعی کرده اند
از آن راه عبور نمایند آنها را غارت کرده اند و اولین دسته ایلی که از این

۳- در اردل در قلعه خرابی که رو به ویرانی گذاشته با صدی، بخشدار و
سرگرد مهرداد فرمانده نظامیان آن جا به سربردیم. در موقع ورود
مشاهده نمودم عده سرباز مقیم اردل به منظور احترام و استقبال صف
کشیده بودند. در این جانب مانند سایر نقاط با همان حکایت مخوف و
مبالغه آمیزی که راجع به وضعیت راهها شایع بود مصادف شدم و
میزبانانم در ظرف این یک روز و دوشنبی که در آن جا متوقف بودم
سعی نمودند مرا از مسافرت خود منصرف نموده و برگردانند و
چنانچه قبل از حرکت از اصفهان محض احتیاط از سرتیپ زاهدی

که نشان می داد که مرحله اولی مهاجرت قبل از اینکه برف در جاده آب شود و علف تازه برآید طی شده است.

۸- در گردنه دالانک از قسمت عمده بعضی از تیره های ایل زراسوند عبور شد.

۱۴- موری - گند علی^{۱۵} این تیره ها دست جمع مهاجرت می نمودند و ظاهراً^{۱۶} بالنسبه به جمعیت های دینارانی در وضعیت خیلی بهتری می باشند. خط بین دالانک و بازفت ۱۲ ساعت طول کشید و روز بعد مسافت بین سی ستون و فالئی را در ۱۴ ساعت طی کردیم. از رودخانه آب بازفت بوسیله بلمهای تهیه شده از مشک عبور کردیم و به مسافت خیلی پایین تر از محل عبور جریان رودخانه شدیدتر شده و به دره های عمیق مخوف جاری می شود که در آن جاگله های گوسفند که نتوانند به آن طرف دره ها برسند قهراً تلف می شوند منزل فال سوزان طولانی است یعنی طی آن ۱۲ ساعت به طول می انجامد و تقریباً بدون آب است و به طور کلی مسافت سخت چند روز اخیر چارپایان مرا خسته کرد. در حقیقت از مال امیر به بنالا مجبور شدم چارپایانی کرایه کرده و حیوانات خود را به طور یدک ببرم.

۹- از سوزان عده ما تقریباً با محترمی که برای مشایعت ما تا مال امیر همراه آمده بودند به سی نفر بالغ گردید. در مال امیر در منزل سرگرد فرمانده قشون اقامت کرده و اطلاعاتی در باب شکایات ایلات به مشارالیه دادم لکن سرگرد نامبرده شخصی بطنی و کودنی بود و چنین وانمود می کرد که تعلیمات مشخصی برای اقدام در این باب در دست ندارد.

۱۰- در اطراف جلگه مال امیر صدها چادر مشاهده شد که متعلق به ایلات ترک (یعنی قشقای) بود. این اشخاص تقریباً در یک وضعیت پریشانی بودند زیرا بسیاری از آنها مدت یک ماه بود که منتظر فرصت جهت مهاجرت و کوچ بودند. چون قسمت عمده اموال آنها شتر است نمی توانند از خط بازفت استفاده نمایند و منتظر افتتاح راه دهدز بودند گرچه امیدی هم به باز شدن این راه نداشتند. این اشخاص اظهار نمودند که به علت احتیاجات شدید و غیرعادی مراتع در اطراف مال امیر از بین می رود و در ظرف چند هفته دیگر به کلی خشک خواهد شد. این جانب وعده دادم اقدامات ممکنه را به عمل آورده و این امر را با اولیای امور مطرح نمایم لذا پس از ورود خود به اهواز رئیس شهرتانی و رئیس امنیه را ملاقات نموده و شرحی به کنسول انگلیس نگاشتم که در آن باب با استاندار مذاکره نماید.

۱۱- البته نمی توان با یک قسمت کمی از ایلات سیار تماس حاصل کنم کافی است به اینکه اظهار صریح و قطعی از اوضاع و احساساتی که در بین بختیارها حکمفرما است بشود. در هر حال تقریباً یک وحدت عقیده در قسمت نظریات ایلات که در این جا یادداشت شده موجود و اوضاعی که شرح داده شده تصور می رود تقریباً عمومی باشد.

کدخداها و کلانترها

۱۲- به طور کلی نفوذ رؤسای ایلات محلی در افراد ایل نشین ظاهراً دارای بنیان محکمی است و در مورد یکی دو نفر از آنها که چندین روز با ما همسفر بودند آشکار بود که خیلی مورد احترام هستند.

راه معمولی از دهدز کوچ می نمودند با دادن تلفات از حیث گله و رمه برگردانیده شده اند. صحت اطلاعات مزبور بعداً موقعی که یک عده بدبخت را ملاقات کردم که به بیلاق خود از طریق بازفت می آمدند و دارایی آنها از دستشان رفته بود تأیید گردید. بعلاوه از ناصرخان اطلاع حاصل نمودم که خبر مسافرت قبل از ورودم منتشر گردیده و که کیلو [یه]ها در منزل بعدیم انتظار ورود مرا می کشیدند. روی هم رفته ادامه به مسافرت خود دورتر از جاده دهدز بی اساس به نظر می رسید زیرا صرفه نظر از پیشروی بدون جهت به طرف نقطه مشکل که غیرعاقلاً به نظر می رسید سیلاب کوچ ایلات به طرف راه بازفت دیناران متوجه گردیده بود.

۵- بنا بر این صبح روز بعد از یک راه بسیار صعبی - راهی که تا آن جایی که توانستم تحقیقات به عمل آورم قبلاً هیچ شخص اروپایی از آن جا عبور نکرده بود حرکت نمودم. این راه در امتداد یکی از شعب آب خوری که به دهات خوری می رود قرار گرفته. خوری قلعه است متعلق به ملا مستوفی کدخدای بزرگترین تیره های چهار بنیچه و در این نقطه اولین دسته جات تیره های زراسوند دیده شد.

۶- از خوری (کوری) جاده در وسط جلگه مرتفع دیناران که به تازگی برفهای آن آب شده بود واقع گردیده و یک روز دیگر هم برای دیدن ایلات دینارانی که تازه رسیده بودند صرف شد در بین کوچ نشین های دینارانی که ملاقات گردیدند اهالی - ممدی - سید - اورک^{۱۲} و گوروثی^{۱۳} می باشند. کلیه آنها جدیداً وارد شده و وضعیت اقتصادی عمومی آنها بد بود ایلات دینارانی ترجیح می دهند در دسته های کوچک فامیلی مهاجرت نمایند. تا با ستونهای بزرگ عشایری و بدین لحاظ عده زیادی از آنها در اثر تاخت و تاز که کیلویه صدمات فراوانی دیده اند. عده زیادی از این کوچ نشین ها که بازدید شدند دارای وسایل زندگی خیلی پستی می باشند و با نان بلوط سال قبل و محصولات که در گوشه و کنار می روید از قبیل قارچ و کنگر زندگی می کنند کلیه آنها از ضررهایی که به گله و رمه آنها در موقع عبور از رود کارون در سوسن و آب بازفت وارد آمده و سختی هایی که از وضع راه که از آن عبور کرده اند دیده اند گفتگو می نمودند. به نظر می رسید که هر شخصی خاطرات تلخی از بی قیدی پست نظامی در مال امیر در باب مسدود کردن راه دهدز و حملات بی دربی اهالی که کیلویه در ناحیه قلعه [مال] سیر دارد مشارالیه ظاهراً نظریه عالی از مقاصد حسنه انگلیسی ها داشته و مسافرت این جانب را نشانه از علاقه ما در تأمین امنیت و سعادت خود می دانستند. قند و جای به مقداری که موجود بود بین اهالی ایلات توزیع گردید و شب نیز دو بره ذبح و برای حاضرین کباب شد.

۷- از دیناران به مال امیر کدخدایان ایلیاتی مختلف ما را مشایعت نمودند و سواره به اتفاق ما مسافرت کردند. این اشخاص همیشه بی نهایت محبت و کمک به ما نموده و سعی می کردند ما را از احترامی که اهالی ایلات نسبت به انگلیسی ها دارند مطمئن سازند. از جلگه های دیناران راه سخت می شود و گردنه های دالانک و سی ستون (واقع در مشرق و مغرب آب بازفت) با لاشه حیواناتی که در راه مرده بودند مستور شده بود. مخصوصاً محل های چادر زدن محاط شده بود از لاشه حیوانات

4th June, 1942.



سفارت انگلیس
تهران

No. 1142.

۱۴ خرداد ۱۳۲۱

شماره ۱۱۴۲

آقای نخست وزیر عزیزم

تصوره بنمایم مایل باشید گزارش ملفوف
کنسولیار انگلیسی را در آنجهان که در این
اواخر مسافرتی به بختیاری نموده است
ملاحظه فرمائید. مشارالیه قصد داشته
است از طریق ده دزبازهاز برود لکن
بواسطه عدم امنیت راه مزبور مجبور شده
است طریق دورتری را برای این منظور
حی نماید. دوست صمیمی
(ادریان هولمن)

My dear Prime Minister,

I think you may be interested
in the enclosed report of the Vice-
Consul at Isfahan, who recently made
a journey through Bakhtiari. He had
intended to go to Ahwaz by the Dehdiz
road, but owing to the insecurity
of this road had to travel by a
more circuituous route.

[Handwritten signature]
[Handwritten signature]

سازمان امور خارجه
وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۳۲۱ خرداد ۴
شماره: ۱۱۴۲
موضوع: گزارش کنسول
ایسفهان

جناب آقای علی سهریلی نخست وزیر

تهران

His Excellency,
Monsieur Ali Scheily,
President of the Council of Ministers,
T E H R A N.

تحمیلات زیادی وارد می کنند. شکایات عمده ایلات از این قرار
است:

(الف) عدم امنیت. بسته شدن راه دهدز و غارتگری ایلات
کهکیلو [به] در دشت مال امیر و اطراف آن کاملاً معلوم پاسگاه مال امیر
می باشد (تقریباً) کلیه کدخداهای اوضاع راه سروان سهراب زمینی که تا
یک ماه پیش سمت فرماندهی پاسگاه را داشت گزارش داده اند) ولی
اقدامی در حمایت صیانت آنها و یا اعاده وضع ارتباطات به عمل

معمولاً در صحبت از اوضاع و اشکالات خود، کدخداهای خود را با
افراد ایل خویش همدرد و هم داستان نشان می دادند به عکس خانها که
ظاهراً از غم و غصه خود نالان و متأثر بودند. معمولاً از وضع آنها پیدا
بود که افراد ایل آنها اتباع مطیع و فرمانبرداری بوده و عامل مهمی در
تأسیس اقتصاد ملی هستند (و این موضوع تا حدی صحیح است)
تشکیلات اداری محل از حیث تضییقات و استفاده جویی از افراد
ایلات بدون اینکه حتی امید فایده و نتیجه به آنها داده شود فشار و

نیامده است.

(ب) اخاذی. این شکایت عمومیت داشت و هدف شکایت باز سروان زمینی بود که پاسگاه بخشداری ایذه^{۱۶} را توأم با فرماندهی نظامی در دست داشت.

(ج) محرومیت از هرگونه استفاده و یا عطف توجهی با داشتن تابعیت ایرانی یعنی عدم دسترسی به کمک‌های پزشکی و خدمات اجتماعی دیگر. اطلاع یافتیم که آن مقدار سود کمی هم که از مکتب‌خانه‌ها به دست می‌آید به واسطه بسته شدن آنها نسل فعلی از آن محروم است. در قسمت کمک‌های پزشکی باید گفت بیماری در بین افراد ایلات ظاهراً خیلی زیاد است. امراض چشم - نوبه^{۱۷} - نفخ شکم - درد مفاصل - زخم و غیره در همه جا ملاحظه می‌شود. بیشتر امراضی که دیده می‌شد قابل جلوگیری و معالجه آنها به آسانی ممکن است.

(د) شکایات مختلفی مانند ازدیاد خسارات وارد به محصول بوسیله گرازها که در نتیجه از بین رفتن هرگونه اسلحه حاصل شده و اقدامات غیرعادلانه ادارات نظامی و اقتصادی و غیره در تصرف کردن و بردن محصول.

۱۳ - نظریه افراد ایلات نسبت به خانهای خود: این یکی از مسائلی بود که من بدان مخصوصاً علاقه‌مند بودم و برای سنجیدن افکار از هر فرصتی استفاده می‌شد. بی‌میلی نسبت به رژیم خانها تقریباً عمومیت داشت و اغلب اشخاص وقتی از آنها سؤال می‌شد که خوانین آنها چه کسانی هستند با کمال رشادت جواب می‌دادند که خوانین ندارند و از حرکات خود این طور وانمود می‌کردند که میل هم ندارند داشته باشند. حتی در بین ایلات زراسوند که نظر به حشر و نشر طولانی که با طبقه ایلیخانی در چغاخور^{۱۸} داشته‌اند تا حدی از آنها تمکین و اطاعت ممکن بود انتظار داشت بیشتر نظیر همان رویه موجود بود و نظر آنها گاهی نسبت به عودت به رژیم سابق این بود که از دو نوع حکومت تحمیلی فشار حکومت خان‌ها شاید کمتر است.

از این قبیل تماسهایی که این جانب داشته این نتیجه مسلم است که تجدید استقرار خوانین به مقام حکام مطلق ایلات نه مورد قبول و نه به منافع اهالی ایلات نشین خواهد بود.

۱۲ - حوایج ایلات: فرصت‌های عالی برای ابراز حسن نیت کامل و مؤثر ظاهراً موجود است و مخارج آن با مقایسه با آنچه که در جاهای دیگر این کشور صرف می‌شود غیر قابل ملاحظه خواهد بود. از فرصتهایی که می‌شود استفاده کرد من جمله این است.

(الف) خدمات پزشکی - دو نفر پزشک دارای تصدیق‌نامه محلی و یا یک پزشک و دو نفر (انفرمیه) در نقاط بیلابقی پرجمعیت سیر و حرکت نمایند. در واقع اعزام اشخاص نجیب و منتخبی با وسائلی که شامل جراحی ساده باشد دارای اثرات فوق‌العاده خواهد بود.

(ب) تدریس - سه یا چهار معلم که کلاس‌های خواندن و نوشتن را در ماه‌های تابستان در مراکز بزرگ اداره نمایند بی‌خرج و خیلی مؤثر خواهد بود.

(ج) تعیین یک نفر مفتش دامپزشک - (اگر بتوان تهیه کرد)

(د) پُل‌ها - پُل دوپلان سست است و اگر خراب شود تأسیس مجدد آن مشکل خواهد بود.

پل‌سازی روی آب بازفت سعادت بزرگی است. یک نقطه آماده برای این امر موجود است و تهیه یک پل چوبی از نوع پل دوپلان بیش از ۳۰۰۰ تومان مخارج ندارد.

عبور از بازفت دشواری دارد و مسافرت را چندین روز طولانی‌تر می‌سازد.

پی‌نوشت‌ها:

۱ - چارلز الکساندر گالت در ۱۵ ژوئن ۱۹۰۸ م. متولد شد، در سال ۱۹۳۱ نایب کنسول موقت تهران، از ششم آوریل تا هفتم نوامبر ۱۹۳۳ کنسول کرمانشاه، از ششم فوریه ۱۹۳۵ نایب کنسول تهران. مجدداً در سال ۱۹۳۵ کنسول کرمانشاه شد. در سال ۱۹۳۶ کنسولگری شیراز و از اول اوت تا بیستم نوامبر ۱۹۳۶ به جده رفت. و در بیست و نهم ژانویه ۱۹۳۸ به کنسولگری اصفهان انتقال و در پنجم ژانویه ۱۹۴۵ م. به مقام کنسول ارتقا یافت.

لویی، راینو، دیلمات‌ها و کنسول‌های ایران و انگلیس، ترجمه غلامحسین میرزا صالح، تهران نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳، ص ۹۰.

۲ - در کتاب بختیاری‌ها عشایر کوه‌نشین، ایران در پویه تاریخ، به عنوان ایل و شامل طایفه‌های اورک، شالو، نوروزی، بویری، سرفلی، سعید، گورویی، شیخ عالی‌وند، کورکور، علی محمودی و بندونی ذکر شده و در کتاب مقدمه‌ای بر شناخت ایل‌ها، چادرنشینان و طوایف عشایری ایران. بعنوان طایفه نوشته در متن فوق بعنوان تیره‌های ذیل نوشته شده است:

تیره‌های سعید، سرفلی، گورویی، غلام، شیخ عالی‌وند، جلالی، کورکور، سرفلی، موزویی، اورک‌بای، بویری، بندونی، اورک، سعید، علی‌محمدخانی، زنگی، علیردانی، گورویی، اولاد حاجعلی و عالی محمودی

دیرامان، بختیاری‌ها عشایر کوه‌نشین ایران در پویه تاریخ، ترجمه سیدمحسن محسینیان، مشهد، چاپ دوم، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹، ص ۸۳.

افشار سیستانی، ایرج، مقدمه‌ای بر شناخت ایل‌ها، چادرنشینان و طوایف عشایری ایران، تهران، (بی‌تا)، ۱۳۶۶، صص ۴۷۱ - ۴۷۲.

۳ - ایل زراسوند دارای ده طایفه چهارزی، اسپوند، خواجه، شاروند چغاخور - خلیل‌وند، گرکه، بابایی زراسوند ضعیف‌الله فاتح می‌باشد.

افشار سیستانی، همان ص ۴۷۱ در مورد این ایل هم طایفه و تیره ذکر شده.

۴ - سه طایفه از ایل دورگی می‌باشد همان، ص ۵۴.

۵ - اصل: طهران.

۶ - آدریان هولمن (Aderin, Holman) در ۲۲ سپتامبر ۱۸۹۵ م. متولد شد و از شانزدهم مارس ۱۹۴۲ م. دیر سفارت و از بیستم سپتامبر ۱۹۴۲ تا پنجم آوریل ۱۹۴۴ م. مستشار سفارت انگلیس در ایران بود

لویی راینو، همان، ص ۲۱۷.

۷ - علی معتمدی در این زمان معاون نخست‌وزیر بود.

۸ - فرماندار چهارمحال بختیاری.

۹ - اصل: سالون.

۱۰ - آنکس که خر و اسب و شتر و جز آنها را کرایه دهد.

۱۱ - از دهستان پشتکوه، بخش اردل شهرستان بروجن. سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های جمهوری اسلامی ایران، جلد ۸۰، ص ۲۳۶.

۱۲ - اصل: اوراک.

۱۳ - اصل: کزنی.

۱۴ - اصل: السنوند.

۱۵ - اصل: گندلی.

۱۶ - ایذه نام قدیمی سرزمینی است در ناحیه بختیاری که بعدها مال‌امیر (= مالیر) نامیده شد و در شهریور ۱۳۱۴ به موجب تصویب هیأت وزیران نام آن به ایذه تغییر یافت.

معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، جلد ۵، چاپ هشتم، امیرکبیر، ۱۳۷۱.

۱۷ - تپ‌تاگهانی.

۱۸ - اصل: چغاخور اقامتگاه تابستانی ایلیخانی بختیاری.